

گفت‌وگو با افشین پیرهاشمی

فضای هنر ایران را ترک کرده‌ام

پرویز براتی

می‌گوید بیه بلیت آدم‌ها احتیاجی ندارد و استدلال می‌کند اگر کسی بازیگر طرفداریاش را از دست بدهد دیگر کسی برای تماشای فیلم‌های او بلیت نمی‌خرد. اگر کم‌موزیسین هوادارانش را از دست بدهد، کسی به کنسرتش نمی‌رود. ولی زندگی نقاش، این‌طور نیست. «در هنرهای تجسمی هر قدر هم معروف باشی، به اندازه یک بازیگر معمولی سینما شناخته نمی‌شوی»، افشین پیرهاشمی «سال‌هاست انزوایی خودخواسته پیشه کرده، زنان هراسناک و معترض او، گاه با ماسک‌هایی بر چهره اعتراض‌شان را نشان می‌دهند. پیرهاشمی هنرمندی است که پیچیدگی‌های زندگی روزمره مدرن ایران را از طریق پرتره‌های عکس‌نمایانه و واقع‌گرایانه که اغلب در حواشی خود به ترکیبات اکسپرسیونیستی و به تابلوهایی دراماتیک بدل می‌شوند، مورد آزمایش قرار می‌دهد. او تحت‌تأثیر نقش زن در جامعه معاصر ایران و ارتباطاتش با جهان بیرون است و با ورود به ابعاد فیزپولیتیک ایران معاصر، در جست‌وجوی تبیین و تصویر قدرتی است که از طریق فضاهای جنسیتی قادر به بروز هستند. نخستین آثار به‌نمایش درآمده پیرهاشمی سالل ۱۳۷۰ دیده شد و این هنرمند ۴۳ساله متولد ارومیه، پس از آن به فعالیت هنری خود در تهران ادامه داد. سال ۱۳۸۲ در ششمین دوسالانه نقاشی تهران جایزه برگزیده هیئت داوران و نیز جایزه‌بهترین اثر را به انتخاب پرسنوناژهای سینمایی مانند مارلون براندو و آل پاچینو به تصویر کشیده‌شده. اما موضوع مهم‌تری که در کار این نقاش بازتاب داشته، تحولات اخیر در خاورمیانه و خصوصا نبرد مردم «کوبانی» با گروهک داعش است. ایستادگی کوبانی موضوع چند تابلوی بزرگ او به نام‌های «در یک آن»، «کوبانی»، و «سوریه» (هرسه ۲۰۱۴) شده است. پیرهاشمی در این تابلوها به زنان مبارز کوبانی ادای احترام می‌کند. جدا از دریافت جایزه متفاوت دوسالانه یکن در سال ۲۰۰۴، حضور در فهرست ۵۰۰ هنرمند برتر سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ و کسب دو رکورد نیم‌میلیون دلاری در حراج «کریستیز»، از او چهره‌ای خریساز در هنر معاصر ایران ساخته است. اخیرا در حراج «فیلیس» لندن، نامش به‌عنوان تنها هنرمند ایرانی در کنار نام‌هایی مانند ژورف بویز، گرهارد ریشتر، اندی وار هول، دیمن هرست، ویکتور وارازلی، دیگو ژاکومنی، آرمان، فرانتز کلاین، سیدنی شسرن و… قرار گرفت و اثری از او در این حراج چکش خورد؛ هرچند به گفته خود نقشی در حضوراین اثر در این حراج نداشته و از مجموعه‌ای ایتالیایی به لندن فرستاده شده است. پیرهاشمی از پنج سال قبل با گالری «ایام» دویی کار می‌کند و نمایشگاه اخیرش با عنوان **House Cards** (خانه پوشالی) به‌خاطر تعرض‌های سیاسی‌اش به کاخ سفید و یادآوری سریال آمریکایی به همین نام درباره رقابت‌های سیاسی این کشور، حاشیه‌هایی را رقم زد، هرچند این نقاش برداشت سیاسی از کارهایش را رد می‌کند.

❖ به‌تازگی در حراج «فیلیس» لندن، نامتان را به‌عنوان تنها هنرمند ایرانی در کنار نام‌هایی مانند ژورف بویز، گرهارد ریشتر، اندی وار هول، دیمن هرست، ویکتور وارازلی، دیه‌گو ژاکومتی و… دیدیم. قرارگرفتن نامتان کنار این نام‌ها برایتان چه مفهومی داشت؟

خیلی افتخار می‌کنم؛ چون تا چند سال پیش درباره آنها درس می‌خواندم، برابیم باورنکردنی بود که اسمم کنار این اسم‌ها باشد. این اتفاق بعد از برگزیده‌شدنم در بی‌نپال چین، همان‌قدرعجیب و خوشحال‌کننده بود و امیدوارم مثل بی‌نپال چین که اتفاق‌های خوبی برابرم رقم خورد، این اتفاق‌های خوب تکرار شود.

❖ این روزها هنرمندبودن در مفهوم بین‌المللی در مسئله بازاریابی، نشان تجاری شخص محسوب می‌شود. هنرمندان بسیاری هستند که به نحوه بازاریابی هنر معاصر در جهان امروز معترض‌اند؛ بیشتر شکایت آنان درباره شبکه انحصارطلبانه معدود صاحبان گالری، سرمایه‌گذاران و مدیران اجرایی بانفوذی است که در عرصه هنر بین‌الملل نقشی پررنگ دارند. در نهایت، دستگاه تبلیغاتی منعکس‌کننده استراتژی‌های سرمایه‌گذاری را سیاست‌های منطقه‌ای است که عملا هیچ ارتباطی به هنر ندارند. هنرمندانی که داخل این شبکه فعالیت می‌کنند، در واقع به مجموعه‌ای از نشانه‌های تجاری تبدیل می‌شوند؛ نام‌ها، نشان‌های تجاری مانند جف کونز، دیمن هرست، سیدنی شرمین و… از نظر شما، هنرمندبودن در اساسی‌ترین مفهوم آن، به چه معناست؟

تبدیل‌شدن به هرست، شرمین و کونز؟ آیا اینها ضللت است؟

میحت مهمی که وجود دارد. این است که نوعی برخورد دوگانه در این زمینه به چشم می‌خورد؛ از یک طرف، هنر مثل چیزهای دیگر، دست سرمایه‌داران است؛ اما منتقدان به تعبیر شما شبکه انحصارطلبانه صاحبان گالری و سرمایه‌گذاران از یک طرف از سرمایه‌داران پولدار بدشان می‌آید و از طرف دیگر می‌خواهند همین افراد از آنها حمایت کنند. به نظرتان شدنی است؟

❖ اما همه الزاما این دید را ندارند…

گروه دیگری ندیده‌ام. به نظر مشکل اینها درنگاه‌شان است که در جامعه ما متأسفانه خیلی گسترش یافته است، یعنی دیدشان نسبت به افراد سرمایه‌دار منفی است؛ بااین حال، انتظار دارند همین سرمایه‌دارها از آنها حمایت کنند! اما بسیاری از آنها نگاه‌ی انتقادی به این ماجرا دارند و خاستگاه پرسشگری آنها شخصی نیست…

پاسخ من همین است که صحبت بر سر یک سری اسم است که دنیای سرمایه‌داری آن اسم‌ها را مطرح کرده. هنرمندان معترضی که من دیده‌ام، حالت‌شان این‌طور است که در مقابل آدم‌های سرمایه‌داری که آنها را مطرح کرده‌اند، گارد می‌گیرند. پس آدم‌های سرمایه‌دار هم نمی‌توانند با این افراد کار کنند. بعد هم فقط دوزدن می‌ماند.

❖ یکی از دگرگونی‌های اساسی و مغرب در هنر این دوران، تجاری‌شدن و تجاری‌کردن مسئله هنر است که از نتایج جهانی‌شدن اقتصادی و همچنین جهانی‌شدن فرهنگی است. به واسطه کسب دو رکورد نیم‌میلیون دلاری در حراج کریستیز دویی، شما را به این جریان منتسب می‌کنند. چه واکنشی به این موضوع دارید؟

اقتصاد در همه چیز گسترش پیدا می‌کند و مختص هنر نیست. در همه زمینه‌ها پیشرفت سرمایه‌داری به اقتصاد ربط دارد. این ربط‌داشتن، از نظر شما بد است؟ اگر هم ربط نداشته باشد، پیشرفت و توسعه با اقتصاد همراه است.

❖ درباره مافیای هنر چه می‌گویید؟

شما با کسی صحبت می‌کنید که زمانی در فضایی بوده و پنج سال است آن فضا را ترک کرده است. من پنج سال است با یک گالری غیرایرانی متعددهانه کار می‌کنم. شنیده‌ام مایکل جها، مدیر بخش خاورمیانه کریستیز، از یک هنرمند ایرانی نام می‌برد که من هستم و می‌گوید او تنها آرتیست ایرانی است که به شکل مستمر پنج سال است با یک گالری کار می‌کند. دوام این همکاری خیلی برای آنها مهم است. هنرمندان ما می‌خواهند با جایی کار کنند که آنجا سود باشد. هنرمندانی داریم که با چند گالری کار می‌کنند و معتبر هم هستند؛ اما روش من با آنها متفاوت است و الان در این فضا هستم. تخصص و فکرم بعد از پنج سال در فضای حرفه‌ای قرار دارد و درباره این پنج، شش سال می‌توانم صحبت کنم. زوم شما روی دوره‌ای از هنر است که پول زیاد بود.

❖ الان این پول در هنر نیست؟

به نظر به‌هیچ‌وجه آن‌طور نیست. موجی بود که خوابید و خیلی از هنرمندان از آن موج استفاده کردند و خیلی‌ها هم استفاده نکردند. اگر نمی‌توانم پاسخ این سؤال را آن‌طوره‌که مایل هستیید، بدهم، به خاطر این است که در جریان‌ش نیستم. من می‌توانم درباره آرتیست، گالری‌دار و حرفه‌ای‌کارکردن خیلی صحبت کنم؛ چون پنج سال است که این کار را می‌کنم. آنچه شما می‌گویید، مربوط به سال‌های قبل است و الان اقتصاد هنر خاورمیانه به دلیل اینکه قیمت نفت به کمتر از نصف رسیده، خوابیده است؛ چون اقتصاد خاورمیانه خیلی به نفت وابسته است و همین‌طور مسائل تروریستی و فضای حاکم بر خاورمیانه نیز به نظم هنر خاورمیانه را خوابانده است.

❖ بیان کردید یک عده هستند که اگر از طرف سرمایه‌دارها و صاحبان گالری‌ها حمایت بشوند، اعتراضی ندارند؛ اما عده‌ای هستند که خودشان آرتیست نیستند و از باندبازی، پروپاگاندا و انحصارطلبی‌ها شکایت دارند و می‌گویند اینها هنر را به بیراهه برده است…

من پنج سال است با گالری‌های ایران کار نمی‌کنم و به صورت حرفه‌ای با یک گالری خارجی قرارداد دارم. مطمئمن ایران فرقی با جاهای مختلف دنیا ندارد و در همه جای دنیا یک‌سری سرمایه‌دار از طریق یک سری شکل سازمان‌یافته که در ایران «مافیا» نامیده می‌شوند، کارها را جلوتر می‌برند…

❖ اجازه دهید درباره خودتان صحبت کنیم. رکوردهایی که شما کسب کرده‌اید مهم است ولی شما را به همین جریان منتسب می‌کنند…

این رکوردها مربوط به هفت، هشت سال قبل است.

❖ اما از آن مدت تاکنون این ذهنیت درباره شما عوض نشده…

همان پنج سال پیش که آقای خالد صمعاوی، مدیر گالری ایام، به ایران آمد و همین صحبت‌ها را با من کرد. تمام سیاستش بر این اساس بود که کارهای هنرمندان را براساس ارزش هنری قیمت‌گذاری کند؛ نه براساس اینکه در حراج چه قیمتی دارند.

❖ چرا همین‌زان با همکاری‌تان با گالری «ایام» حضورتان در حراج‌های دویی و تهران کم‌رنگ شد؟

چون مدیر گالری ایام این‌طور فکر می‌کند. آن راه اشتباه بود. اولین صحبت‌هایش با من این بود که تو حیفی و همین‌طوری هم کارت ارزنده است و من می‌توانم به تو کمک کنم به شرط اینکه از این داستان‌ها چشم‌پوشی. من هم این کار را کرده‌ام و الان پنج سال از آن زمان گذشته. در این پنج سال نرفته‌ها از آن آدم‌ها خبری نیست، بلکه در سه حراج کار من فروش رفته است.

❖ این اتفاق‌ها بر زندگی هنری شما اثری گذاشته است؟ اثر خوبی گذاشته؛ چون چیزی را که گالری می‌خواست توانستم با هم انجام دهم.

❖ از این تصمیم پشیمان نیستید؟

خیلی خوشحالم، ممکن است پول زیادی از دست داده باشم مخصوصا پول ایران را؛ اما در حراج آخر کار من از کجا سر درآورده؟ کارکردن با گالری «ایام» مزیت‌های زیادی داشت. حراج اخیر «فیلیس» یک هیئت ژوری داشت که بهانه صحبت من با شما شد. این هیئت معیارهایی داشتند. طبق آن معیارها مطمئن باشید من در بین هنرمندان ایرانی رتبه خوبی دارم چون تنها آرتیستی هستم که پنج سال است با یک گالری بین‌المللی کار می‌کنم. سیاست این گالری از ابتدا این بود که یک‌سری کلکتور پشت یک آرتیست جوان هستند و اینها باید محو شوند. شاید در جاهایی در ایران محو نشده باشند اما در جاهای حرفه‌ای محو شده است. یعنی گالری ایام به صورت اساسی در این مورد کار کرده و من هم راضی بودم و خیلی بابت این همکاری خوشحاله هستم. تفکرات شما با مدیر گالری ایام یکی است.

❖ در خاطرم هست زمانی گفتید باندبازی و مافیای هنر محصول هرچه باشد بالاخره هست و تثبیت شده. ولی برخی این باندبازی‌ها و گسترش چتر سرمایه را روی هنر، نوعی آسیب فرهنگی می‌دانند؛ از زمانی که «پول» وارد هنر شد، ساخت هنر آلودگی پیدا کرد و منافع اکثریت جامعه به نفع مصالح اقلیت نادیده گرفته شد…

خیلی سال قبل این نظر را داشتم.

❖ الان نظرتان عوض شده؟

گفتم‌اگر باندبازی بوده، کارش را می‌کند؛ همان موقع هم گفتم‌ا ایرانی‌ها به هر ساختاری که چند نفر با هم جمع شوند و هدفی داشته باشند سریع نام مافیا می‌هند. مافیا برای چیزهایی مثل قاچاق مواد مخدر است که در آن میلیارد‌ها دلار پول در گردش است. در کل هنر ما مگر چقدر گردش مالی هست که بگوییم مافیا هم وجود دارد؟ خیلی کم است.



تجسمی



عکس: فریوق

و هنرمندان به سمت هنر بازاری رفته‌اند تا پول بیشتری به دست بیاورند. به‌خصوص هنرمندان جوانی که مثلا در جایگاه ۲۰ سالل قبل شما هستند. از همه مهم‌تر این فضا به حذف هنرمندان مستعد جوان و به حاشیه‌رفتن و که‌گاه مهاجرت‌شان انجامید. نظراتن در این باره چیست؟ اینها بستگی به بستری‌های فرهنگی، دانشگاه و آموزشی با استعدادهای شخصی‌شان دارد. کار اشتباهی می‌کنند. من سال ۷۶ که در گالری برگ نمایشگاه فیگوراتیو داشتم همه انتزاعی‌کار می‌کردند چون مُد بود. طبیعتا من هم باید انتزاعی کار می‌کردم. آقای مسلمیان یکی از بهترین هنرمندان فیگوراتیو بود. ایشان هم آن سال‌ها انتزاعی کار می‌کرد اما من فیگوراتیو کار می‌کردم. شما درباره کسانی صحبت می‌کنید که ناگهان‌ه راه اشتباهی می‌روند.

❖ اما شاید همه‌شان و موقعیت شما را نداشته باشند که یک گالری معتبر با آنها کار کند و وابسته به فضای داخل نباشند. تکلیف آنها چیست؟

این شانس را که به من دادو نداشته‌اند! شما خودتان چند سال است که کارهای من را دنبال می‌کنید. همان زمان که آقای خالد با من صحبت کرد اگر کسی دیگر در موقعیت من بود، می‌گفت بعدا صحبت می‌کنیم. ضمن اینکه راهنمایی دکتر سمیع‌آذر بسیار در من تأثیر داشت. الان حدود ۲۰ سال است که کار می‌کنم و بالاخره آگاهی داشتم و می‌دانستم این راه‌ها به بن‌بست می‌رسد. بنابراین توقعم را کم کردم. شما وقتی با یک گالری خارجی کار می‌کنید جنس این همکاری مثل ایران نیست. از هر چیز ۵۰ درصد متعلق به گالری است. گالری‌های خارجی متکی بر اقتصاد دنیا است و با آن تنظیم می‌شود. این‌طور نیست که تصور کنید هرچه پول بخواهید در اختیارشان قرار می‌دهند. قانون و مقررات دارد. وقتی من یک قرارداد بین‌المللی را امضا می‌کنم، اگر تخلف کنم، نمی‌توانم حتی تا دویی بروم. آن زمان می‌دانستم پول و آزادی‌های زیادی را از دست می‌دهم ولی آینده خوبی خواهم داشت. هنوز هم این اعتقاد را دارم. تا الان به‌سختی و لذت پنج سال با این گالری همکاری کرده‌ام و الان که صحبت می‌کنم تصور می‌کنم اگر همین‌طور کم‌توقع و متعهد کارم را ادامه دهم آینده خیلی بهتری در انتظارم است. روند پیشرفت در نقاشی کند است و یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد. هنرمندانی که کارم در کنارشان در حراج «فیلیس» عرضه شده کسانی هستند که من نام آنها را در کتاب‌های تاریخ هنر می‌خواندم و الان کارم در کنار آنها روی دیوار است. ۲۰ سال طول کشیده تا به این نقطه رسیدهام. هنرمندانی که سمت بازار کار می‌کنند، می‌خواهند یک‌شبه به جایگاهی برسند که اصلا امکان ندارد. در هنر رقابت سخت‌تر است. در نقاشی از همه سخت‌تر. اوضاع اقتصادی هم الان در خاورمیانه خوب نیست و تقریبا غیرممکن است الان با تبلیغات و پروپاگاندا و از طریق یک حراج بتوان کسی را مطرح کرد.

❖ در نقاشی‌های اخیرتان که در گالری ایام دویی به نمایش گذاشتید به نقش مسلط مدیا در دوران امروز پرداخته‌اید. از کدام موضع بر این مسئله اصرار دارید که مدیا می‌تواند دیدگاه‌های جهانی را شکل دهد؟

من کارهایم را به گالری داده‌ام و آنها متنی نوشته‌اند. اینکه درباره من نوشته‌اند، نمی‌دانم چیست اما داستان «خانه پوشالی» (مجموعه اخیرم)، چیزی بود که ذهنم را مشغول کرده بود. من به ۳۰۰۰ پیش پش فکر می‌کنم که زندگی‌ها چطور بود. الان همه آدم‌ها همین‌طور هستند. همه داستان دارند، فکر می‌کنند، سیاست دارند. مثل قدیم نیست که زندگی ساده باشد. در این کارها من روی آمریکا و کاخ سفید خیلی زوم داشتم؛ بیشتر روی آن اسم زوم داشتم که می‌بینم همه اطراف من چنین کفیتی را دارد…

❖ اما همان‌ها که به کار برده‌اید ندان‌ده‌اند که یک سیاسی است…

تنها بخش سیاسی‌اش این است که ما از کودکی با تمایلات ضدآمریکایی بزرگ شده‌ایم. از بچگی «مرگ بر آمریکا» در ما ریشه داشته. مخصوصا این روزها که فکر نمی‌کنی کسی را پیدا کنی که ضدآمریکایی نباشد.

❖ به طور مشخص منظورناتن روی کارآمدن ترامپ است؟

ایس کارها ما قبل از انتخاب ترامپ است. اما خیلی‌ها می‌گفتند کارها ضدآمریکایی است. حتی کاری که کردم با هیچ روزنامه‌ای صحبت نکردم. چون در ایران زندگی می‌کنم، گالری‌ام هم اصالتا سوریه‌ای هستن و دویی هم کشور خاصی است. نخواستیم به ضدآمریکایی‌بودن و سیاست بپردازیم اما همه مثل شما درباره ضدآمریکایی‌بودن کارها صحبت می‌کنند. مخصوصا اینکه بودن ترامپ این داستان را خیلی داغ کرد و خیلی از مردم از این خوانش ضدآمریکایی لذت می‌برند. به نوعی تفکرات من و اسم نمایشگاه با آمدن ترامپ هم‌زمان شد و فضای جایی ایجاد کرد.

❖ فضا ضدترامپ در ایران هم به نوعی اشتراک با سایر نقاط جهان رسیده و انتقادها به او جهانی شده…

آخرین کارم مال زمانی بود که آقای ترامپ انتخاب نشده بود و اوایما می‌گفت اگر ترامپ رئیس‌جمهور شود ستون‌های کاخ سفید طلا می‌شود و اینجا استخر خندم‌ها می‌شود. آخرین کار من هم‌زمان با شروع انتخابات تمام شد.

❖ ۱۵،۱۰ سال قبل شما به همراه عده‌ای از نقاشان ایرانی به آمریکا رفتید. درست است؟

۱۰ سال قبل بود.

❖ با وزیر امور خارجه آمریکا هم دیدار کردید.

بله، خام‌رایس بودند.

❖ آن زمان هم همین نگاه سیاسی را که در نقاشی‌هایتان دارید، داشتید؟ این ذهنیت سه، چهار سال اخیر است. آن زمان من چنین ذهنیت‌هایی نداشتم و در دنیا هم سیاست‌ها به این شکل نبود. درست است که ایران با آمریکا دوستی ندارد اما داستان برجام آن زمان غیرقابل باور بود. چه کسی ۱۰ سال قبل فکرش را می‌کرد که ایران با آمریکا پای میز مذاکره بنشیند؟ اما الان این اتفاق افتاده. کاری ندارم که به‌نفع ایران بوده یا نه، اما تا این حد فضا عوض شده. همین‌قدر همه‌چیز در مدت ۱۰ سال فرق کرده.

❖ به نظر شما جایگاه هنرمندان ایران در هنر جهان چگونه است؟

اگر از من ناراحت نشوید، درحال‌حاضر جایگاهی نداریم. مرحوم آقای کیارستمی جزء اولین کسانی بود که برای هنر ایران جایگاه درست کرد. البته ایران در چند سال اخیر آن‌قدر در صدر خبرهاست که آدم‌های کشورهای دیگر نگاه‌سی می‌اندازند به اینکه فرهنگ و هنر ایرانی‌ها چگونه است. آن‌قدر که مدام به خاطر مسائل هسته‌ای نام ایران سر زبان‌ها افتاده، نگاهی هم به هنروان می‌اندازند.

اتاق روشن

فراخوان نخستین سالانه عکس‌های کوچک

گروه هنر: نخستین نمایشگاه سالانه عکس‌های کوچک با هدف شناسایی استعدادهای جوان عکاسی، فراخوان خود را برای حضور علاقه‌مندان منتشر کرد. به گزارش روابطعمومی این رویداد، نخستین نمایشگاه سالانه عکس‌های کوچک با همکاری سه گالری زرنا (تهران)، سیتی‌سنتر (اصفهان) و هومهر (کرمان) و با هدف شناسایی استعدادهای جوان در حوزه عکاسی ایران و معرفی به دنیای حرفه‌ای برای عموم علاقه‌مندان به این شاخه هنری اقدام به انتشار فراخوان کرد. در راستای برگزاری این نمایشگاه، گالری‌های زرنا، سیتی‌سنتر و هومهر در اقدامی مشترک تصمیم به برگزاری نمایشگاهی جدید از آثار عکاسان جوان ایرانی گرفتند که برای نخستین‌بار و به صورت هم‌زمان در سه نقطه از ایران و با چهار موضوع گشایش می‌یابد. هدف از برگزاری این رویداد، شناسایی استعدادهای جوان عکاسی ایران و معرفی آنها به دنیای حرفه‌ای این هنر تصویری و همچنین فراهم‌کردن بستری مناسب برای برپایی نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های مشترک هنری در داخل کشور اعلام شده است. در پایان این نمایشگاه، به نفرات برتر هر بخش و سه ارائه خاص و متفاوت، با رأی داوران جوایز ویژه و لوح تقدیر اهدا می‌شود. و یادآور می‌شود هرکدام از گالری‌های برگزارکننده نمایشگاه، به صورت مجزا گواهی شرکت در نمایشگاه را به هنرمندان تحویل خواهند داد. از تمام علاقه‌مندان به عکاسی برای شرکت در این رویداد بزرگ دعوت به عمل می‌آید. موضوعات عکاسی برای شرکت در این نمایشگاه عبارتند از: انسان، طبیعت، نوشتاری و معماری، آخرین مهلت ارسال آثار به نمایشگاه، یکم مرداد و تاریخ برگزاری ۲۰ مرداد سال جاری است. همچنین اختتامیه و اعلام اسامی برگزیدگان در تاریخ ۲۵ مرداد خواهد بود. علاقه‌مندان برای نحوه ارسال تصویر آثار خود می‌توانند از ایمیل نمایشگاه به نشانی top.exhibition1@gmail.com یا شماره‌های ۰۹۳۹۶۸۲۹۲۳۳ و ۰۹۳۸۲۹۶۸۳۴۵ و ۰۳۱۳۷۸۹۱۹۲ تماس بگیرند.

آتلا ودست افشان در تالار وحدت

گروه هنر: موسیقی نمایش تلفیقی دو گِروه «آتلا» و «دست‌افشان»؛ جمعه، بیست‌وسوم تیر (پنجم بهمن) در تالار وحدت اجرا می‌شود. این برنامه با همکاری گروه نمایشی آتلا به سرپرستی «مرجان مبینی‌مهوار» و گروه موسیقی دست‌افشان به سرپرستی «زهره عشقی» و با تلفیق موسیقی سنتی ایران و نمایش آیین‌های فولکلور ایرانی برگزار خواهد شد. گروه آتلا از سال ۱۳۹۱ فعالیت خود را آغاز کرده و تاکنون اجراهای بسیاری را در داخل و خارج از کشور در جهت معرفی بخشی از فرهنگ هنر باستانی و اصیل ایران و هم‌وطنان و جامعه بین‌الملل- مربوط به حوزه پوشش، حرکات و موسیقی فولکلور- روی صحنه برده است. در این برنامه آتلا متشکل از سمیه شوقی (روایتگر)، یاسمین نصیری (طراح حرکات فولکلور) و مرجان مبینی (تهیه‌کننده و کارگردان) به‌همراه گروه حرکات در دو بخش بزرگ سالان و خردسالان آیین‌های فولکلور ایرانی (فجری)، آفریاجانی، تاجیکستانی، کوردی و افغان را روی صحنه خواهند برد. گروه موسیقی دست‌افشان نیز از سال ۷۰ به سرپرستی زهره عشقی در زمینه موسیقی کلاسیک و فولکلور فعالیت خود را آغاز کرده و در آینده نزدیک آلبوم موسیقی اقوام ایرانی را منتشر خواهد کرد. موسیقی نمایش تلفیقی دو گروه آتلا و دست‌افشان، جمعه، بیست‌وسوم تیر از ساعت ۱۵ ویژه بانوان در تالار وحدت اجرا می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت این اجرا به سایت ایران‌کنسرت به نشانی www.iranconcert.com مراجعه‌کنند.

پیکره

نگاهی به نمایشگاه پرویز تناولی وشیرهای ایران عشق حقیقی به مخلوق طبیعت

منوچهر موغاری

شاید بتوان گفت که ساختار اندام شیر در قیاس با سایر حیوانات از لحاظ آناتومی و ترکیب‌بندی تحت پوشش منطق زیبایی‌شناسی با بدن یک ورزشکار ژیمناستیک با بالرین در اصول و راستای مطلق تعادل و توازن و انتقال قدرت شباهت دارد. آنچه در آثار نمایشگاه پرویز تناولی برای شخصیت‌بخشیدن به این مخلوق زیبا و مستحکم حیوانی با بهره‌گیری از نمادهای شبیه به هم به‌کار گرفته شده است، صرف‌نظر از تأثیر احساسی که درهرحال در ابداع فرم‌ها نقش اساسی را دارا نیست، در یک استیلیزاسیون هندسی در بازگشت دهنی به جایگاه ارزش‌های زیربنایی این پدیده طبیعت به ظهور رسیده است. گویش اندام شیر در بیان عضلات و استخوان‌بندی و مفاصل در ترکیب‌بندی‌های حجمی تناولی از یک رابطه مؤثر ریاضی و فیزیک در پشتیبانی فرم‌های انتقالی قرار گرفته است. این منطق در احجام برزنی و سفالین با نماد‌های دندان‌ها به‌صورت ردیف‌های مخروطی منظم و جهت‌یافته آن با بدن دندان نیش شیر و در یک حجم کاسه‌ای به شخصیت فطری شیر اشاره می‌کند و سپس دو دایره در جایگاه حذقه چشمان به فرم‌های انتزاع‌یافته‌گوشی‌ی از حیات و هستی و زندگی می‌بخشد. آناتومی بدن از دیدگاه فشار روی محورهای ایستایی پاها و دست‌ها و توازن و شکل‌بندی آلتالیزده‌های را که می‌تواند استواری فرم کلی را تأیید کند، رعایت شده است. درمجموع حجم استیلیزه‌شده هیکل ظاهری شیر نسبت به کاربرد و اهمیت اعضای آن بیانی از آرایش ذهنی را ماند یک ماشین رزپوش و مسلح به همه ابزارهای جنگی به یک نر تداعی می‌کند. در عین حال که در این تقسیم‌بندی هندسی آناتومی شیر طنز بسیار مؤثری در تکرار سلا‌ح‌های طبیعت بنابر ذوق هنرمند و تغییریافته بر مبنای باورهای انسانی در مقابل شیر حجم ابداع‌شده را در انتظار وجود یک نیروی حرکتی همچون رباط قرار می‌دهد؛ تائولی با پژوهش نتیجه‌بخش روی آناتومی شیر درعین‌حال به یک عشق حقیقی نسبت به این مخلوق طبیعت دست یافته که معشوق به انتقال حس زندگی در این پیکره برزنی کمک کرده است. جریان حرکتی خودبه‌خود از یک کمپوزسیون حاکم بر عناصر تشکیل‌دهنده حجم‌های اندام شیر ایجاد می‌شود، زیرا بر منطق اصولی آن استوار شده و تکیه کرده است. بدون تردید ساختار حجم‌های شیرهای تناولی، کمال‌یافته از نقش‌های طراحی و اتودهای بسیاری است که هنرمند در دریافت حس و هستی این مخلوق زیبا و پرقدرت بر موضوع ساخته‌شده انتقال داده است که در تجسم آن با ساختار سفال و لعاب و کاشی به رنگ آبی در یک ساده‌پردازی فرم هیکل شیر به سوی سمبلی واقع‌گرایانه‌تر با حفظ فرم‌های واقعی سوق داده شده است. زاویه دید هنرمند، با تغییراتی در حالات بدن شیر نمایشی از انتقال نقش زیبایی‌شناسانه وی در ارتباط با شخصیت مستحکم و مطمئن شیر را به ذهن افشانده می‌دهد که هر حال انعطاف فرم‌های منحنی و قوس‌های نرم‌کننده خشونت و سبزه‌جویی و قدرت اندام شیر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد که در هر حال بازگشت به سادگی و خوی و خلوص و غریزی حیوان را نیز تداعی می‌کند. در این تجسم‌ها اشاره هنرمند به عناصر اندام شیر به شکل واقعی و ملموس و بلافاصله حس می‌شود. مثل پنجه‌ها، پوزه و حذقه چشمان و فک و آرواره‌های قوی و گوش‌ها و… فقدان دُم… در حجم‌های سفالین (سرامیکی) تائولی از شیر، گرایش هنرمند به ساخت هیکل شیر با نقش و بیان فانتزی ذهن بیننده را به نمادهای سرگرم‌کننده عروسکی سوق می‌دهد درعین‌حال که جایگاه شخصیت و وقار استحکام این حیوان با اشاره‌های هنرمند به حذقه چشمان و آرواره‌های محکم، عدم هماهنگی بین فرم کاملا هندسی و گوشه‌دار پاها و دست‌ها در قالب قطعات صاف و مستطیلی و مکعبی مشخص می‌شود. همچنین سر شیر با انعطاف احتمای گوش و لب و فرم‌های واقعی دندان‌ها به شیوه کوبیست و بیرون‌آمدن آن از گوشه دهان شیر، ذهن بیننده را دچار دوگانگی دریافت حسی می‌کند. درحالی‌که در تصاویر نقاشی‌شده برگرفته‌شده از صفحات کتب خطی این استیلیزاسیون به‌صورت منطقی و هماهنگ بین سر شیر و اندام شیر صورت پذیرفته است یعنی سر شیر نیز تابع نقش‌های هندسی مکعبی و صاف و چهارگوش است. اوراق قدیمی و خطی از نقش شیر‌ها و نوشتارهای آن… در هر حال پیش‌زمینه تفکر و تجسم فرم‌های جوان شیرهای تناولی برای ساده‌پردازی‌ها و فرم‌های انتزاع‌یافته او محسوب می‌شوند که سادگی و متانت و استحکام شخصیت شیر در آن به‌وضوح احساس می‌شود؛ با گزارش حجم‌های تناولی در ساختارهای برزنی و سرامیک و بافت‌های گلیم و بازگشت به اسناد و مدارک پیشینه، این پرداخت‌های حجم‌های هنرمند گویش فانتزی‌تر به‌خود می‌گیرد، زیرا شخصیت قدرتمند و حقیقی شیر در نقش‌مایه‌های سسویلی‌نقاشی و طراحی در گستره‌های محدودتری قرار می‌گیرد. حجم‌های کوبیست – اکسپرسیونیستی پرویز تناولی درعین‌حال ساختار واقعی شیر را در فرم‌هم گرایش بافت‌ها، هنر باستانی و اصیل ایران و هم‌وطنان و جامعه بین‌الملل- مدنظر قرار داده است. اشاره باز و تأثیر فوری عناصر تأکید‌شده در سر سمبولیک شیر به دندان‌ها و حذقه چشمان در گرایش انتزاع- کوبیستی، چنانچه موضوع از پیش آماده‌شده برای سیر مطرح نشده باشد. دریافت معنی و وابستگی یادشده به شیر در ذهن بیننده به دشواری می‌توانست صورت پذیرد. صرف‌نظر از کمکی که آناتومی اندام و پاها و دست‌های شیر در هر حال به حضور دو دندان برجسته و بیرون‌زده نیش که به‌وضوح همه ساختار اندام شیر را در اولین نگاه در حیطه تسلط خویش قرار می‌دهد، می‌توان از بارزترین نمادهای تجسم‌یافته‌تائولی در فرم نشسته شیر با نقوش عنابری و خورشید درخشان و آسمان آبی تیره محسوب کرد و صرف‌نظر از تجسم‌های ذوق سرشار از عشق و دل‌بستگی عمیق و عاطفی پرویز تناولی، یک پدیدار ماندگار از شخصیت مفهومی شیر در جایگاه فرهنگ ملی و قومی و هنری ایران به شمار آورد.